

از دیاد جمعیت  
از هر بلای ویرانگری  
خطرناکتر است

# بیداری

ایمان مذهبی  
از بمب اتمی  
خطرناکتر است

نشریه‌ی کانون فرهنگی خرافه زدایی

شماره ۵۷ - سال دهم - شهریور ۲۷۲۰ ایرانی  
آگست ۲۰۱۱ مسیحی - ۱۳۹۰ اسلامی تحمیلی - ۲۵۷۰ هخامنشی

هنگامی که می بینیم یک زن با سواد ایرانی، هنوز از اسلام دفاع می کند، می خواهیم بگویم توی فرق سرش!!  
یک زن ۷۰ ساله ایرانی آگاه شده

ته دل هیچ ایرانی با اسلام نیست، مگر اینکه از تخم و ترکه اعراب متجاوز باشد.

یک میلیارد و نیم مسلمان، یک کشور درست و حسابی ندارند. چون دین بیابانی صحراهای خشک عربستان  
فلج مغزی می آورد و انسان را از رشد می اندازد.

پیامبر اسلام بیماری صرع داشته و دیوانه بوده است،  
در سوره های تکویر (۲) صافات (۳۶) مؤمنون (۷۰) قلم (۲) حجر (۶) فرقان (۱۸)...

در شماره پیش از خوانندگان بیداری درخواست کمک فوری کردیم  
متأسفانه بجز چند نفری که هر ماهه کمک می کنند و چند نفر دیگر که  
همواره گاه بگاه کمک می کردند، کس دیگری از خیل خوانندگان بیداری  
پاسخ مثبتی به درخواست ما ندادند. یک نویسنده ایتالیایی ۹۴ سال  
پیش مقاله «بی تفاوتها» را نوشته است که زبان حال امروز ماست.

۱۹۱۷ - ایتالیا

آنتونیو گرامشی

## بی تفاوتها

آن کس که زنده است نمی تواند شهروند باشد و موضع گیری نکند.  
بی تفاوتی کاهلی است، انگل وارگی است، بی تفاوتی دلسرد می کند،  
بی تفاوتی علیه شعور طغیان می کند و آن را از بین می برد.  
بی تفاوتی رخصت کور شدن گره هایی را می دهد که بعدها، تنها  
شمشیرها خواهند توانست آنها را از هم بدرند. بی تفاوت ها اجازه  
اشاعه قوانینی را می دهند که تنها، طغیان خواهد مانده در رویه ی ۵

دکتر م.ع. مهر آسا

## بررسی و تشریح در کتابهای مشهور به آسمانی!!

قرآن بخش ۲۷

سوره «الفرقان»

این سوره در مکه نوشته شده و مشتمل بر ۷۷ آیه است، واژه «فرقان» نام  
دیگری است برای کتاب قرآن و از لغت «فرق» سرچشمه می گیرد و  
معنای جدا کردن و جدا ساختن می دهد. منظور محمد از این  
نامگذاری، جدا کردن مسلمانان از دیگر پیروان ادیان بوده است؛  
همچنین فرق نهادن بین کتاب اسلام و کتابهای آن دو دین دیگر  
ابراهیمی یعنی تورات و انجیل! به همین دلیل مسلمانان گرچه از هر نظر  
عقب افتاده و وامانده و فلک زده اند، اما ضمن جدا کردن خویش از  
دیگران، خود را از تمام دیگر آدمیان برتر و والاتر می دانند! چرا...؟  
چرا با وجود این همه حقارت و عقب ماندگی چنین پنداری گریبانشان  
را گرفته است؟ پاسخش را در ظاهر و باطن مسلمانان



بزرگترین ایراد این کتاب، همان ادعای محمد در انتساب گفتار قرآن به  
الله؛ و ادعای وجود خدائی نادیده و ناشناخته و موهوم است. خدائی که  
یا توسط موجودی ساختگی به نام جبرئیل، و یا مستقیم از سوی  
خویش در گوش محمد کلماتی را زمزمه می کند؛ و امر می دهد به مردم  
شهری - که در آن زمان از خرد و کلان بیش از ۵ یا ۶ هزار نفر نبوده اند -  
فرمان های مرا ابلاغ کن! خدائی که بر طبق گفته قرآن تمام امور دنیا را  
اداره و نظاره می کند، اغلب اوقات کار جهان را رها کرده و مشغول  
تأمین وسائل عیش و عشرت برای شهوترانی حضرت و تعمیر و ترمیم  
ازدواج های محمد، و آشتی دادن زن های متعدد پیامبر شده است. و یا  
دیگر مردمان گره زمین را رها کرده مرتب برای نماز و روزه و نوع  
خوراک اهالی مکه دستور صادر می فرماید... بیش از هشتاد درصد  
محتوای کتاب قرآن تکرار همین مهملات است.

البته الله از کار طاعنان و منقدان و خردمندانی که مسخره می کنند نیز آگاه  
است. می بینیم که محمد مجبور شده مرتب آیه بپافد؛ و از سوی الله  
ایراد درست و به حق کسانی را که بیشتر آیات قرآن را سخنان دیگران  
می دانند که به محمد دیکته می شود، پاسخ بدهد! به همین جهات وقتی  
مردم عاقلانه ایراد می گیرند که پیغمبر خدای نادیده نمی تواند آدمی  
باشد که غذا می خورد و شهوترانی می کند و مدفوع از او بیرون می ریزد؛  
و باید چیزی شبیه فرشتگان باشد، پاسخ محمد - البته از سوی الله - این  
است که پیغمبران پیش از من هم غذا می خوردند و... در واقع درست  
می گوید زیرا آنان نیز شیادانی از همین قماش محمد بوده اند.

امور بدیهی و روزمره؛ و اتفاقات جاری و ساری زندگی و طبیعت؛  
همچنین بسیاری مطالب دروغ و غیر واقعی، در دستگاه محمد کلاً از  
معجزات و مقدرات الله حجاز معرفی می شوند که مردم دانای عرب  
به آن می خندند و محمد را مسخره می کنند. زیرا ادعاهای محمد یا  
اموری روشن و بدیهی اند و یا دروغ هائی بی شرمانه!  
اما موضوعی که باید به آن پردازم و از پیش نیز به آن اشاره کرده ام،  
راجع به دروغ بزرگی است که مؤمنان مسلمان نسبت به فصاحت و  
بلاغت قرآن می گویند و می نویسند. آیه ۴۸ این سوره را عیناً می نویسم  
که اثباتی دیگر برای این دروغ است.

آیه ۴۸:

و هو الذي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً  
طَهُورًا

ترجمه تحت اللفظی «و او کسی است که فرستاد بادهای را که بشارت باشد  
میان دستهای رحمتش و ما نازل کردیم از آسمان آبی پاک» اکنون  
ترجمه الهی قمشه ای:

«و او کسی است که بادهای را برای بشارت پیشاپیش رحمت خود  
فرستاد و از آسمان آبی طاهر و مطهر برای شما نازل کردیم»

ایراد اینجا است که آیه با صیغه مفرد غایب شروع می شود و می گوید او  
کسی است... و بعد در وسط آیه صیغه جمع متکلم را می آورد و  
می گوید «ما نازل کردیم...» این را می گویند فصاحت و بلاغت ادبی!!!  
طنز جالبی است. مثل اینکه نخست محمد سخن می گوید و بعد سخن  
را به دست الله می سپارد!

می توان دید! زیرا دارای محسناتی هستند که دیگران ندارند. به طور  
مثال: اگر خیلی تمیز باشند هفته ای یک بار به حمام می روند؛ آنهم نه  
برای نظافت، بل برای غسل جنابت! حتا غسل و وضوی تیممی یعنی  
خاک مالیدن به بدن را نیز از فرائض دین می دانند و اگر آب دست ندهد،  
برخود خاک می مالند؛ بوی زننده ی زیر بغل و پاهایشان از چند قدمی  
همه را می آزارد؛ تعویض لباس زیرشان نیز به همان هنگام حمام کردن  
یعنی هفته ای یک بار حوالت می دهند؛ - البته چنین اتفاقاتی با این  
دست و دل بازی، تنها میان مالداران و ثروتمندان است، و گرنه فقراشان  
لباس را فقط به هنگام مرگ از تن بیرون می آورند. همچنین مساجدشان  
را که محل ارتباط شان با الله است، از روی بوی گند و تعفن مستراحش  
از چند صد متری می توان شناخت؛ دروغ و خدعه و نیرنگ و  
کلاه گذاری میانشان از دیگر مردمان به مراتب بیشتر است. و دیگر  
علائم و فضائلی از همین دست...

اکنون به بررسی سوره بپردازیم:

آیه نخست این سوره:

«تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ هَبْدَةً لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا»

«خجسته و مبارک باد کسی که فرقان (قرآن) را برینده اش فرستاد که با  
آن عالمیان را بترساند» دقت زیادی لازم ندارد تا بدانیم و بفهمیم که اگر  
به زعم محمد، الله و خدائی نیز وجود داشته باشد، این کلام او نیست.  
این تمجیدی است که محمد از الله ساخته و پرداخته ی ذهن خود  
می کند. این تعریف و توصیف ها همه از محمد است که به اغوای آن  
ایرانی فراری «سلمان فارسی» خدا و شیطانی شبیه زردشتیان ساخته  
است؛ و البته الله اش را جایگاه فرعون مصر گذاشته تا از زبان خودش،  
چنین خود را وصف کند. انتهای آیه هم می فرماید قرآن برای ترساندن  
عالمیان فرستاده شده؛ و این سخن البته به غایت زیبا را بارها تکرار  
کرده است! آری! به حقیقت دین اسلام، دین ترس و وحشت است!  
دقت در آیه های ۴ و ۵ این سوره به ترجمه آیت الله قمشه ای، نشان  
می دهد که همشهریان محمد و اعراب به طور کلی، می دانند و می دانستند  
که مؤلف و مصنف این کتاب خود محمد است و کسانی مانند سلمان  
فارسی نیز، در تدوین و تألیف و تکمیل قرآن او را یاری می دهند و  
غالب سخنان را در دهانش می گذارند.

آیه ۴:

«و کافران گفتند این کتاب که محمد وحی اش می شمارد جز آنکه به  
دروغ از خود بافته و دیگران نیز به او کمک کرده اند، چیزی دیگر  
نیست. و البته این سخن کافران ظلم و زور است.»

آیه ۵:

«و باز گفتند که این کتاب افسانه های پیشینیان و حکایات سابقین است  
که محمد خود نوشته و دوستانش صبح و شام براو دیکته و قرائت  
می کنند...» (قرآن به ترجمه آیت الله الهی قمشه ای چاپ تهران) چه  
خوب و تمیز محمد این موضوع را در کتابش آورده تا آیندگان بدانند  
امثال سلمان در تدوین و تکمیل دین اسلام چه کمک هائی کرده اند! این  
آیات اقرار و گواهی است به همین مبحث که آن ایرانی فراری، چه  
محمدی ساخته است.



## محاكمه نویسندہای بزرگ کہ برای بیداری می نوشت

بشر، ضد آزادی و ضد زندگی. بنابراین نابودی شخص من به معنی نابودی این اندیشه بالنده نیست. نام من و دیگر زندانیان سیاسی نیز چون مبارزانی کہ جاودان شدند هرگاہ یادی از رژیم اسلامی در تاریخ به میان آید، دوبارہ زندہ خواهد شد. پس تو سرت را بالا بگیر و در مقابل اطرافیان و اسلامزده‌های عقب مانده امل و بیمار محکم بایست و بی سوادى آنان را گوشزدشان کن. حتا تحقیرشان کن از بابت جهل و خرافه‌ای کہ بیمارشان کرده است. اسلامزده‌هایی کہ در پیرامونت می‌بینی حتا از انسان‌های غارنشینی کہ بر دیوارهای غار آثار هنری خلق می‌کردند پس مانده ترند. زیرا در عصری زندگی می‌کنند کہ بشر متمدن و خردگرا و آزاداندیش دورہ روشنفکری را سپری کرده و رو به سوی آینده‌ای زیبا و شاد و مرفه با گام‌های استوار به پیش می‌تازد. اسلامزده‌های اطراف همچنان در گن‌دآب متعفن و مقدسات و باورهای جاهلانه مذهبی غرقند و نه حقوق و آزادی‌های خود را می‌شناسند و نه از ارجمندی و کرامت انسانی بهره‌مند هستند. باورهای جاهلانه مذهبی، آنان را متنفر از آزادی پرورش داده است. سنگ و چوب و استخوان مرده‌های هزاران ساله را کہ در بیابان‌های گرسنگی می‌یابند می‌پرستند. خرد و اندیشه خویش را به هیچ می‌انگارند و چون الاغی و گاوی افسار به گردن خود انداخته، قلابه به خود بسته‌اند و یک سر قلابه را به دست شیاد و شارلاتانی مقدس سپرده‌اند تا در نهایت آنان را چون حیوانی بی‌اراده و بی‌اختیار به هر سو بکشد و بدوشد و به مذبح ببرد. میترا جان من به اندیشه‌هایم و به درک خود از آزادی و ارجمندی انسانیت می‌بالم. من به آنچه نوشته‌ام افتخار می‌کنم. مبارزی هستم کہ در جنگ با اهریمن اسیر گشته، اما اهریمن را نیز کلافه کرده است. این سکوت مطلقى کہ در رسانه‌های رژیم اسلامی در بارہ دستگیری و اسارت و کلام موضوع من دیده می‌شود نشان از ترس رژیم دارد. این کہ مرا به صورت پنهانی تا الان یازده بار به دادگاہ بردند و می‌آورند، اینکہ دسترسی مرا به ارتباط با بیرون از زندان مطلقاً مسدود کرده‌اند، نشانه‌های پیروزی من است.

میترا جان تنها امیدى کہ به کمک دارم از سوی ایرانیان هم‌فکر و مخالفان جدی رژیم اسلامی است. حمایت آنها و رسانه‌ها و نهادهای حقوق بشری و فعالان حقوق بشر می‌تواند در سرنوشت من و فشار به رژیم مؤثر واقع شود. نکته‌ای دیگر اینکہ همانطور کہ گفتم عواطف و احساسات خودت را در مورد من کنترل کن و با خرد محض به موضوع من بیاندیش. من هیچ امیدى به اینکه رژیم ددمنش اسلامی مرا زندہ بگذارد ندارم.

من الان در سلول انفرادی هستم، در بین هفت هشت هزار زندانی تنها و تنها زندانی هستم کہ ممنوع ملاقات و ممنوع تلفن و از هرگونه ارتباط محروم. هرگاہ یک زندانی ممنوع ملاقات می‌آید آنرا نیز به سلول من می‌آورند کہ معمولاً از اشرار و جانپان است. اکنون کہ این مطلب را می‌نویسم در فرعى از سالن ۱۳ اندرزگاہ ۵ کہ زندان معتادین و جانپان

روز چهارشنبه اول تیرماه نویسندہ زندانی سیامک مهر (محمد رضا پورشجرى) با دستبند و پابند به شعبه ۱۰۹ دادگاہ کرج برده شدہ پابند او به حدی سفت بسته شدہ بود کہ منجر به زخمی شدن پایش و خون ریزی آن گردید.

در هنگام محاكمه سرابى رئیس دادگاہ به سیامک گفت، پرونده‌ات خیلی سنگین است و اتهام شما محاربه و سب نبی است (کہ سد در سد بهایش اعدام است)

سیامک در همه این ۹ ماه تنها با لباسهایی کہ هنگام دستگیری برتن داشت بسر می‌کند و ملاقاتی نداشته. سیامک تحت شکنجه‌های وحشیانه بازجویان قرار دارد. فشارها بر او چنان بود کہ دست به خودکشی زد اما او را از مرگ نجات دادند.

سیامک نامه‌ای از زندان بیرون داده کہ در زیر می‌خوانید، به دنبال آن یکی از نامه‌های سیامک را می‌آوریم کہ باعث اصلی دستگیری او گردید به نام فاحشگی مقام زن در اسلام.

**نامه سیامک مهر (محمد رضا پورشجرى) به دخترش میترا**

میترا جان مطالبی هست کہ می‌خواهم بدانی شرایط من در زندان به گونه‌ای است کہ بیشتر از هر چیز از بی‌خبری رنج می‌برم. از ۲۱ شهریور ۱۳۸۹ به مدت ۳۵ - ۴۵ روز کہ دقیقاً نمی‌دانم من در زندان اطلاعات بدم و در این مدت به دلیل شکنجه‌های فراوان با شیشه‌ی عینکم اقدام به خودکشی کردم. با اینکه میدانی چشمانم خیلی ضعیف است ۳ ماه از دادن شیشه عینک و حتا یک عدد قرص به من خود داری می‌کردند. بیشتر توهین و شکنجه‌ای کہ در مورد مقاله‌هایم شدم در مورد مقاله «مقام زن در فاحشگی اسلام» بود. از تاریخ ۱۵ اسفند ۸۹ مرا به سلول انفرادی و سپس به سلول فرعى در اندرزگاہ ۵ انتقال داده‌اند. نه رادیو، نه تلویزیون و نه روزنامہ نه کتاب و نه هیچ مسیر خبری در اختیارم نیست. با اینکه زندانیان سیاسی را به سالن ۱۲ اندرزگاہ ۴ انتقال داده‌اند ولی من تنها زندانی سیاسی هستم کہ ممنوع ملاقات، ممنوع تلفن، و بصورت کاملاً ایزوله نگهداری می‌شوم. اخیراً احضاریه‌ای به زندان آورده‌اند کہ علیه من شکایت شده. نه شاکسى مشخص است و نه از مورد اتهام حرفی زده شده. من احضاریه را امضا نکردم و نپذیرفتم. خودم حدس می‌زنم موضوع دادگاہ رسیدگی به اتهام (سب‌النبی) باشد. به مسئله توهین به مقدسات. البتہ اتهام‌های دیگری هم ممکن است در میان باشد. من برای هر وضعیتی آمادگی کامل دارم و روحیه و انرژی‌ام در برابر اهریمن تباهی کہ قصد دارد سرانجام مرا ببلعد در حد بالا و عالی است.

میترا جان یادت باشد من یک فرد نیستم، یک فکرم. من یک شخص نیستم بلکه یک اندیشه‌ام. اندیشه‌ای کہ در میان ایرانیان ریشه دارد و من سخت امیدوارم کہ عاقبت بر اهریمن پیروز شود. بر عنصر ضد



و شرارتی‌های خطرناک است محبوسم. این اندرزگاه به (متادونی‌ها) مشهور است. سلول من حتا یک دریچه به بیرون ندارد که با کسی ارتباط داشته باشم.

سیامک مهر

## فاحشگی، مقام زن در اسلام

مقاله‌ای که سیامک مهر را گرفتار کرد و بعید است جان سالم بدر ببرد

در نظام معیشتی اسلام، زنان تنها و تنها از طریق تن فروشی ارتزاق می‌کنند. محل و ممر درآمد زن در اسلام خدمات جنسی است. در اسلام هیچ‌گونه راه و روش و طریق و شیوه و پیشه و کاری برای گذران زندگی زن و کسب درآمد و تأمین هزینه‌های روزمره، به‌جز تن فروشی متصور نیست، توصیه هم نشده. البته پیرزنان عجوزه که فاقد کالای سکس برای فروشند، آورده شده که با دوک نخریسی خود را مشغول می‌کنند. شغل و حرفه زنان در اسلام و قرآن روسپی‌گری است. کلفتی برای شوهر و یا ارباب و نگهداری از فرزندان وی، به‌خودی خود و بدون ارائه سکس هیچ‌گونه دستمزدی ندارد.

در اسلام از دو گروه زنان یاد شده است: زنان آزاد و کنیزان. در اسلام هر دو صفت آزاد و کنیز به وجه موهن به کار رفته است. چراکه زن آزاد یعنی زنی که برده نیست و در اینجا کلمه آزاد به‌هیچ وجه به معنی آزادی نیست.

کنیز که وضعیتش معلوم و تکلیفش روشن است. کنیز برده‌ای است خریداری شده و یا به‌غنیمت گرفته شده در غزوات و جنگ‌های تجاوز کارانه مقدس اسلام که دارای هیچ اختیار و انتخابی نیست و جانش موهبتی است که از جانب ارباب و صاحبش به‌وی ارزانی گردیده. کنیز در قبال دفع شهوت ارباب و پسران و دوستان وی و کلفتی برای آنان لقمه نانی می‌خورد و زنده می‌ماند.

اما زن آزاد به‌زنی گفته می‌شود که برای ارتزاق و اعاشه و گذران زندگی، از این امتیاز برخوردار است که ظاهراً مرد مسلمان متجاوز به‌خود را خود برگزیند و به‌اختیار به‌تن فروشی تن در دهد. (نکاح اسلامی) همین میزان از اختیار و انتخاب نیز، در جوامع پدرسالار و نظام مردسالارانه و اسلامی توسط پدر و یا سرپرست شرعی زن نادیده گرفته می‌شود و زنان جوان و به‌ویژه دختران باکره بالاجبار به ازدواج‌هایی ناخواسته تن می‌سپارند.

در اسلام سعی گردیده است که به هر میزان که ممکن است از سن ازدواج زنان بکاهند تا زمان بهره‌برداری جنسی از آنان افزایش یابد. اینکه محمد تازی عایشه را از شش سالگی با تفخیز (در مالی) و سپس در نه سالگی به فیض دخول می‌رساند از رافت اسلامی است و خمینی در تحریر الوسيله تفخیز با نوزاد شیرخواره را نیز مجاز می‌شمارد.

مسلمانان ماله کش که بطور بی‌امان به تفسیر مشغولند، زمانی که از زنجارگی و شهوترانی پیامبر اسلام سخن می‌رود، دلیل ازدواج‌های متعدد و هوسرانی‌های او را کمک به زنان بی‌سرپرست عنوان می‌کنند.

گویی کمک مالی و یاری رساندن به زنان بی‌چیز و فقیر بدون جماع با ایشان ممکن نیست. توجه به این نکته نیز ضروریست که تعبیر «زنان بی‌سرپرست» فی نفسه توهین‌آمیز بوده و زنان را صغیر و سفیه و نابالغ دانسته و بدون وابستگی به‌مرد و به‌عنوان انسان کامل و مستقل به‌رسمیت نمی‌شناسد. زن در نگاه اسلامی و قرآنی در حقیقت به‌مثابه زائده‌ای است که به‌گرداگرد عضو جنسی زنانه شکل یافته است و لاجرم به‌اکراه و اجبار به‌صورت طفیلی مرد می‌بایست تحمل شود. (پیدایش یافته از دنده چپ مرد) جماع خراشه مرد مسلمان با زن، هیچ شباهت و سنخیت و هم‌جنسی با عشقبازی انسانی ندارد. دو سویه نیست و از مبحث فاعل و مفعولی است. زن در جماع اسلامی توسط مرد گائیده می‌شود. (با پوزش) جماع اسلامی از اساس با مفهوم سکس و معاشقه و عشق ورزی از زمین تا آسمان تفاوت دارد. زن مسلمان وسیله دفع شهوت مرد است. فاقد اراده جنسی و میل شخصی و به‌مانند احشام و جماد و نبات شناخته می‌شود. زن مسلمان می‌باید با بستن لنگ به‌کمر در هر حال و در هر لحظه‌ای حاضر به‌پراق و آماده ارائه خدمات جنسی به‌مرد بوده باشد.

حتا هنگامی که سوار بر شتر در حرکت است. در جماع اسلامی، مرد مسلمان شبیه همین حاجی بازاری‌های مؤمن و متدین جمعیت مؤتلفه‌ای وقتی به‌خانه باز می‌گردد، زن عقدی و یا صیغه‌ای خود را از گنجه و کمد درآورده و چون خوکی فحل به‌وی تجاوز می‌کند، از پیش یا از پس. (بقره ۲۲۳) مرد مسلمان در قبال تملک زن شرعی خویش، پول پرداخته و کالایی را خریده و مختار است که به‌هرگونه که می‌پسندد از متاع خویش بهره ببرد. در ازدواج‌های اسلامی، زن شریک و همسر مرد نیست. این الفاظ تعارفات خمرنگ کنی پیش نیست. مرد مسلمان با پرداخت مهریه، زنی را می‌خرد و با پرداخت نفقه، وی را به‌مانند کالای جنسی و کلفت شخصی به‌خدمت می‌گیرد. (نساء ۲۱ و ۲۴) حتا فرزندانسی که از ازدواج‌های اسلامی به‌وجود می‌آیند متعلق به‌مرد بوده، حتا جانسان. به‌گونه‌ای که اگر پدر فرزندش را به‌قتل برساند قصاص نمی‌شود. زن به‌دلیل اینکه در برابر خدمات جنسی و کلفتی از شوهرش مهریه و نفقه و دستمزد دریافت می‌دارد، لذا بچه‌هایی که به‌دنیا می‌آورد دقیقاً شبیه نتیجه زایمان‌های اسب و الاغ در طویله چوپان، به‌مرد تعلق می‌گیرد متعه و صیغه نیز که در مذهب شیعه مورد احترام بوده و به‌شدت تشویق می‌گردد، به‌منزله کارخانه فاحشه سازی، یکی از راه‌هایی است که زنان لقمه نانی به‌کف آورند و از گرسنگی نمیرند. اساساً در موضوع صیغه و متعه صحبت از فاحشگی راندن از سوی منتقدین بی‌مورد و مضحک است. زیرا که زن در بینش اسلام و قرآن دقیقاً همان فاحشه است. تن فروش و روسپی است. چون قابل تصور نیست که هیچ زنی بدون دریافت دستمزد به‌جماع با مردی درآید. حتماً باید با مبلغ معلوم و مدت معلوم این عمل صورت گیرد.

نکته تأسف‌آور آن است که هرگاه زنی با مردی دلخواه و دوست داشتنی آزادانه بیامیزد و از سر عشق و علاقه و احترام متقابل، بدون



## حجاب اجباری

من فقط گرمم است برادر من از دست گرما کمی روسری ام را  
شل کرده ام، ترس من مدل نیستم، مانکن نیستم، فاحشه و تحریک  
کننده هم نیستم، من فقط گرمم است در این وسط روز و تابستان داغ.  
امروز کم مانده بود از گرمای وسط ظهر گریه کنم، این تازه اول گرما  
است می خواستم مقنعه و ماتوی مشکی بلندم را در بیاورم، حالم  
داشت بهم می خورد. هوا بس ناجوانمردانه گرم شده است.

برادر می فهمی گرمم است. می خواهم این گرما را توی صورتت بالا  
بیاورم. می خواهم این مقنعه را که با لحن کثیف گفתי «بکش جلو» دور  
گردنت بیندازم و بخوام یک روز تمام این را سرت کنی، بعد با همان  
خفیات کنم. آنقدر به من گفתי من کثیف و پلیدم، من عامل فسادم، من  
چنین و چنانم که اقلاً خودم را دوست ندارم. در اصل من باید دل هر  
مردی را می بردم، من باید بوی تحریک آمیز داشته باشم، من باید دماغم  
را عمل کنم، به من می گویی، دختر که نمی دود، دختر که کوه نمی رود،  
دختر که دوچرخه سواری نمی کند، من نمی توانم آرایش بکنم یا حتا  
موهایم را شانه بکنم، و نمی توانم ناخن هایم را مانیکور بزنم.

برادر تو تا کی می خواهی نان هیزیات را بخوری و با بهانه های  
بی خودی مرا آزار بدهی؟ من از دست گرما کمی روسری ام را شل  
کرده ام، من فقط گرمم است، می فهمی پدر سگ بی سواد؟ ما که مُردیم  
از دست شماها، خسته شدیم، گورتان را گم کنید بروید، یکی هم پیدا  
نمی شود بزند توی کله پوکتان، مردها هم که از مردانگی اخته شده اند. از  
دست شما چه خاکی به سر بریزیم. نه داخل خانه آرامش داریم و نه در  
بیرون امنیت - خاک بر سر هرچه حکومت و آدم مذهبی است.

هیچ چشمداشت مادی و مالی به وی بیبوند و عاشقانه و بنا بر نیاز  
طبیعی عشق بورزد، آخوند و قرآن وی را هرزه و فاحشه و زناکار  
می خوانند و مستوجب تنبیه و تازیانه و سنگسار می دانند. بحث  
خفت بار و جدایی افکن و سرکوب کننده «محرم و نامحرم» و گناهان  
جعلی و موهوم جنسی که در اسلام ساخته و پرداخته شده، ریشه در  
همین معنا دارد.

قابل توجه است که تنها رابطه و مشارکت اجتماعی زن در اسلام  
منحصر به زمانی است که مورد معامله قرار می گیرد. (البته زن آزاد و  
نه کنیز و برده). به بیان دیگر زن تنها در یک مورد و فقط به هنگام فروش  
سکس و چک و چانه زدن بر سر قیمت ارائه خدمات جنسی (مهریه،  
نفقه و اجرت المثل) است که مورد گفتگو قرار می گیرد. از آن پس،  
یعنی پس از انعقاد قرارداد، زن به پستوی خانه و گنجی و کمد باز  
می گردد و وظیفه شرعی وی حفاظت و مراقبت از آلت تناسلی خویش  
به عنوان مایملک شوهر و یا مایملک هر مردی است که از طریق  
قرارداد صیغه، فرج وی را خریده است. در جوامع پدر سالار و  
عشیره ای و قبیله ای همین میزان رابطه اجتماعی نیز توسط پدر و پدر  
بزرگ و برادر از زن دریغ گردیده و زن غیاباً خرید و فروش می شود.

در جامعه انسانی، زنان تا زمانی که همچون مردان از کار  
شرافتمندانه و انواع بیمه های اجتماعی، از جمله بیمه بی کاری و از کار  
افتادگی بی بهره بوده باشند و برای خورد و خوراک و پوشاک و مسکن و  
در مجموع جهت گذران زندگی و ارتزاق و معاش خود به مرد وابسته و  
محتاج باشند و به ناچار از طریق ارائه خدمات جنسی به شوهر اسمی و  
یا هر مردی کسب درآمد کنند و نان بخورند، بدون تعارف روسپی و تن  
فروشند

## پروفسور منوچهر جمالی

### منز پلیدان اسلامی

در فرهنگ ایران، جان و خرد انسان مقدس است، یعنی هیچ  
قدرتی، «حق» کشتن انسان و آزردهن خردش را ندارد.

کشتن به «حق»، برضد «حق» است، حقی که امر به کشتن بدهد  
ناحقیست، یعنی هیچ ملایی حق فتوای قتل و فتوای جهاد ندارد، یعنی  
هیچ کسی حق ندارد امر به معروف یا نهی از منکر بکند. و یعنی هیچ  
کتابی، پیامبری، رهبری و آموزه ای جز جان و خرد انسان مقدس  
نیست. و هیچ کس حق سلب آزادی از خرد انسان در اندیشیدن ندارد.  
چون خرد انسان از جانش می جوشد، و فقط خرد انسانی، حق نگهبانی  
و سامان دادن جان یا زندگی را دارد، یعنی فرقی میان بودایی، یهودی،  
مسلمان، زرتشتی، ترک، عرب و گُرد و چینی و هندی نیست.

پس گرانیگاه و سرچشمه حقوق انسانها، جان و خرد آنهاست نه  
ایمانشان. عقاید، ادیان، مکاتب و ایدئولوژی ها یعنی حکومت های دینی  
و ایدئولوژیکی، سلب آزادی از خرد انسانست. «زندگی» برتر از همه  
حقیقت هاست.

### بی تفاوتها مانده از رویه ی نخست

توانست آنها را باطل کند. بی تفاوتی می گذارد انسانهایی بر قدرت سوار  
شوند که بعدها تنها شورش ها خواهد توانست آنها را سرنگون کند.  
تقدیری که به نظر می رسد بر تاریخ مسلط است هیچ نیست مگر نمود  
و همی این بی تفاوتها.

من از بی تفاوتها بیزارم که ناله معصوم بودنشان ملولم می کند و هرگز  
دلم نمی خواهد اشک هایم را با آنها قسمت کنم.

من پارتیزانم، یعنی زنده ام، آنها نیستند. من در وجدانهای سست  
همسوی خویش صدای تپش شهر آینده را می شنوم که دست من دارد  
آن را می سازد.

عملکرد شهروندان شهر آینده من اتفاتی و قضا قدری نیست،  
هوشمندانه است. در آن شهر هیچ کس در پشت پنجره ها به تماشا  
نمی ایستد آنگاه که اندک کسانی دارند از جان خویش در می گذرند و  
رگهایشان در این فداکاری، اینجا و آنجا دریده می شوند. من برای  
خوشبختی آنها حاضر به دادن جان هستم. من برای جان دادن زنده ام،  
من پارتیزانم و بی تفاوت ها سبب ساز سختی زندگی و گرفتاری های  
درد آور برای خود و دیگران می شوند.



## برای خداوند عالم!

ستون سه دین آسمانی به پوست «غلفه» (آلت تناسلی مرد) بسته است

خداوند بر ابراهیم ظاهر شد و گفت تو را بارور نمایم و پدر امت های بسیار قرار دهم، و تمامی زمین کنعان را به تو و فرزندان تو به ملکیت ابدی بدهم... و تو در مقابل نیز باید عهد مرا نگهداری و عهد من این است هر ذکوری از قوم تو باید ختنه شود و هر ذکور ختنه نشده از قوم خود منقطع شود. چون عهد مرا شکسته است.

تورات - سفر پیدایش - باب هفدهم ۵ - ۱۴  
و اما در انجیل مسیحی ها همان خداوند تبارک و تعالی به پیامبر دومش می گوید «مؤمن واقعی کسی نیست که (فلان جایش) ختنه شده باشد، بلکه کسی است که قلبش ختنه شده باشد و اگر از شریعت پیروی کنی ختنه (قلبی) تو ارزش دارد...» و به این شکل ختنه در مسیحیت نه واجب است و نه انجام می دهند.

انجیل - رساله پائولوس - باب دوم ۲۵ و ۲۹  
و در اسلام عزیز، همه می دانیم که ختنه برای هر مسلمانی از نان شب واجب تر است، مسلمان ختنه نشده به بهشت نمی رود و حوریان بهشتی ختنه نکرده ها را نمی پذیرند. همان خداوند تبارک و تعالی که در توراتش ۷۰ صفحه راجع به منافع ختنه به موسی می گوید و در انجیل اش ختنه را ضروری نمی داند، اینک دوباره از لذات ارتباط جنسی در ارتباط با ختنه به پیامبر سومش نصیحت ها می کند و سفارش ها دارد. در مورد نظر خداوند نسبت به پیامبر چهارمش حضرت بهاء اله هیچ بهایی حاضر نشده توضیح بدهد که خداوند تبارک و تعالی در خصوص برش پوست آلت مردانه (و یا زنانه که در بین بعضی از مسلمانان رایج است) زیر گوش حضرت بهاء اله چه گفته است. آنچه معلوم شده دین های آسمانی خدادار همه بشکلی متکی به این تکه پوست هستند و در دین یهود و اسلام کمر به قطع و قتلش بسته شده است!

شادباشی داریم برای آقای علیرضا مروتی مدیر رادیو ۲۴ ساعته صدای ایران که با یک تصمیم بزرگ میهنی و دلاورانه درخواست ۲۵ ساله بسیاری از ایرانیان را که خواهان قطع صدای نکبت آور اذان عربها بودند پذیرفت و دستور قطع آن را از ماه رمضان امسال داد. هزار آفرین بر آقای علیرضا مروتی.

در ایران آمار گرفته شده فقط ۱۲ درصد مردم روزه می گیرند

## آیه های بهتر و شیرین تر از آیه های قرآن

ای کسانی که ایمان آورده اید، می خواستید نیاورید.  
ای کسانی که ایمان آورده اید، از چی ما خوشتان آمد که ایمان آوردید.

ای کسانی که ایمان آورده اید، از هر کجا آوردید، بسبرید بگذارید سر جایش.

ای کسانی که ایمان آورده اید، این چی بود که آورده اید، گندشو در آورده اید.

ای کسانی که ایمان آورده اید، جان مادران، کاری به کار آنها که ایمان نیاورده اند نداشته باشید.

الله بر همه چیز شما آگاه است، از خشم او بترسید که جهنمش بسیار بسیار بزرگتر از بهشت اوست.

ممنوعیت رفتن نوجوانان به مسجد در تاجیکستان  
نمایندگان مجلس ملی تاجیکستان لایحه ای را با اکثریت آرا تصویب کردند که رفتن افراد زیر ۱۸ سال به مساجد ممنوع گردید.

این گام بزرگ خردمندی را که اجازه میدهد جوانان و فرزندان آنها پس از سن ۱۸ سالگی، با آگاهی به دنبال دینی بروند یا نروند، به ملت ارزشمند تاجیکستان شادباش می گوئیم، به این شکل، نخستین گام رهایی فرزندان ما از بختک دین ارثی و زوری در یک کشور اسلامی برداشته شد.

## ممنوعیت حجاب معلمان

خبرگزاری آریا وابسته به دولت ایران، در خبری انتقادگونه نوشت:

«از در آقایی» رئیس آموزش و پرورش در باکو، گفت «طبق قانون تصویب شده از اول سال تحصیلی امسال معلمان محجبه بایستی کشف حجاب کنند و به مدارس بروند، کار آنها نمونه خوبی برای دانشجویان محجبه می تواند باشد»

اگر فقیر به دنیا آمده اید، تقصیر شما نیست.

اما اگر فقیر بمیرید، تقصیر شماست.

اگر مسلمان به دنیا آمده اید، تقصیر شما نیست.

اما اگر مسلمان بمیرید، سد در سد تقصیر شماست و گناهی بالاتر از آن وجود ندارد.



## به قلم: دکتر ویلیام جارویس

مقاله اصلی در [www.ncahf.org](http://www.ncahf.org)

دکتر احمد ایرانی

### زیان‌های روزه گرفتن

پرفسور دکتر ویلیام جارویس استاد دانشکده پزشکی لومالیندا (آمریکا) متخصص سلامت عمومی در یک مقاله مفصلی زیان‌های روزه گرفتن را شرح داده است که نکاتی از آن را در اینجا می‌آوریم. برخلاف ادعاهای طرفداران، روزه بدن را پاکسازی نمی‌کند و باعث استراحت کبد نمی‌شود و بر عکس باعث انباشت سم در بدن و امراض کبدی می‌شود. اصولاً فشار بر کلیه، باعث انباشت ترشحات سمی مانند اوره می‌شود.

کسی که روزه می‌گیرد در معرض هپاتیت، اختلالات کلیه، بیماری‌های خون، بیماری‌های قلبی، ورم مفاصل، بیماری‌های اعصاب و روان یا حتا سرطان می‌شود، بسته بر شرایط ارثی و یا نقاط ضعف ساختاری بدن می‌باشد تغییرات شیمیایی در خون در طول روزه می‌تواند تأثیرات خطرناکی بر سیستم بدن داشته باشد، از جمله احتمال مسمومیت‌های استامینوفنی که همراه با برخی داروها رخ می‌دهد. برهم خوردن تعادل گرمایی بدن، تشنگی، نقصان مواد غذایی مورد نیاز بافت‌های بدن، ایجاد حالات عصبی همراه با سردرد، بی‌خوابی و خستگی مفرط از عوارض روزه گرفتن است. هنگامی که بدن با کمبود انرژی مواجه می‌شود، بدن طی فرآیندی به شکستن ماهیچه‌ها برای تبدیل شدن به انرژی می‌پردازد - این کاتابولیسم نوعی «خودخوری» است که باعث افزایش اسیدیته خون می‌گردد، باعث کج خلقی - خستگی شدید و کاهش میل جنسی می‌شود. و بسیاری مشکلات دیگر که باید اصل مقاله را بخوانید.

ما ناچار به کم کردن تیراژ بیداری می‌شویم و از فرستادن نشریه برای مشترکینی که توجهی به درخواست ما نکردند و آنها که مدت‌هاست به ما یاری نداده‌اند خود داری خواهیم کرد تا بتوانیم فقط برای آنها که علاقمند هستند بیداری منتشر شود و فرزندان درون ایران که همواره در انتظار دریافت آن هستند.

زرتشت خود را پیامبر نمی‌نامد، او می‌گوید من یک اندیشه براتگیزم، زرتشت اهورا مزدا را انتخاب کرد، نه اهورا مزدا زرتشت را.

سخنان دکتر انوشیروانی روحانی زرتشتی

در بحث تلویزیون پارس

### آینده دین

در بیشتر دوران‌های تاریخ و در بیشتر تمدن‌ها، کشورها و جامعه‌های جهان، پدیده دین و مذهب یکی از زورمندترین نیروهای جامعه بوده است. برای نمونه، تا پیش از پایان جنگ جهانی دوم، امپراتور ژاپن مقام خدایی داشت. تا چند قرن پیش «روحانیان» بر سیاست، اقتصاد و فرهنگ جامعه خود مسلط بودند و بزرگترین قدرت جامعه به‌شمار می‌رفتند. در کشورهای اروپایی رهبران مسیحی از بسیاری جهت‌ها جامعه و مردم را اداره می‌کردند. اما از زمانی که علم و دانش گسترش یافت و آموزش و پرورش اجباری شد رفته رفته از نیرومندی دین و مذهب و چیرگی روحانیان بر تمامی امور جامعه کاسته شد. گسترش علم بزرگترین ضربه را بر قدرت بی‌چون و چرای دین وارد ساخت. کشف کروی بودن زمین و گردش آن به دور خورشید از سوی «گالیله» در قرن هفدهم میلادی ضربه‌ای بر مسیحیت وارد کرد که هنوز هم دین و مذهب از شدت این ضربه کمر راست نکرده است.

در قرن نوزدهم کشف‌های علمی کاخ با عظمت دین را به بنایی نیمه ویران بدل ساخت اندیشه‌های «داروین» بسیار سبب بی‌اعتباری باورهای دینی شد.

در بسیاری از کشورهای جهان دست مقام‌های دینی از دخالت در حکومت کوتاه شد و اصل «جدایی حکومت و دین» پدید آمد.

در نخستین دهه‌های قرن حاضر با پیدایش کشورهای سوسیالیستی، ضربه‌های کوبنده‌ای بر بنای دین و مذهب در این جامعه وارد شد و روحانیان از کانون قدرت به‌برون رانده شدند.

تمامی آثار و نشانه‌ها به‌روشنی تمام ثابت می‌کنند که در نتیجه گسترش علم و دانش، اجرای آموزش و پرورش اجباری و مبارزه‌های روشنفکران با بدآموزی‌ها و خرافات و سوءاستفاده‌های روحانیان، پدیده دین و مذهب به‌اخلاق تبدیل خواهد شد و به فلسفه خواهد پیوست. طبقه روحانی از جامعه رخت بر خواهد بست و برداشت‌های علمی و اندیشه‌های فلسفی جایگزین باورداشت‌های دینی خواهد شد.

اگر شما کتاب «پرواز عقابها» نوشته آقای پرویز مینویی برنامه ساز ممتاز تلویزیون E 2 را سفارش بدهید به برنامه‌های روشنگری یاری رسانده‌اید.

تلفن سفارش کتاب: 832-295-5551



## از سایت سکولار برگزیده و برگردان - محمد خوارزمی

## ماه و روز رستاخیز

## پرویز مینویی

## اوباما نیر و مند تر از خداست

در زمان های بسیار دور، پادشاهان فرمان های خود را بر روی پوست حیوانی می نوشتند و به وسیله نماینده ای برای مردم می فرستادند تا آنها را از متن فرمان پادشاه آگاه سازند.

در آن زمان ها مردم نه قیافه شاه را دیده بودند و نه صدای او را شنیده بودند و حتی این رسول یا پیام آور هم پادشاه را ندیده بود و مردم پیام را می گرفتند و به دستورها عمل می کردند. در قرن بیستم با اختراعات پیاپی این شیوه خبر رسانی به مردم از میان رفت و خود پادشاه یا رئیس جمهور یا نخست وزیر در تلویزیون و یا رادیو حاضر می شوند پیام خود را به صورت گفتار یا تصویری مستقیماً به چشم و گوش مردم می رسانند.

در زمان موسی و در زمان عیسی و در زمان محمد و بعدها بهاء الله خود را رسول و پیامبر خدا به مردم معرفی می کردند، تعداد زیادی از مردم آنها را به عنوان نمایندگان خدا باور کردند و بسیاری هم آنها را دروغگو نامیدند و آنها را باور نکردند در اینجا پرسش پیش می آید که، آیا خداوندی که انسانها و حیوانات و گیاهان و زمین و منظومه شمسی و سایر کهکشانها را ساخته است از باراک اوباما رئیس جمهور ضعیف تر است که نمی تواند مستقیماً در تلویزیونی و یا در جایی ظاهر شود و پیام خود را به گوش و چشم مردم برساند تا این همه شایعه و دروغ براو و گفته های او بسته نشود. چرا پیام چنین خدای دانا و توانایی را ما باید از دهان شیخ حسن فضل الله و ملا حسنی امام جمعه ارومیه و خامنه ای و احمدی نژاد و مصباح یزدی و مانند آنها بشنویم و در همه این گفته ها شک کنیم و نپذیریم.

آیا خدا از اختراع اینترنت بی خبر است که یک ایمیل هم تواند برای ما بفرستد. آیا خدا خودش نمی تواند یک کامپیوتر پیش رفته تر از کامپیوترهای موجود اختراع کند و مستقیماً با تک تک انسانها ارتباط بگیرد و با ما ایمیل کاری کند و پیام خود را بگوید. نکند اصلاً خدایی نیست و شاید هم همه چیز را که ساخته، رفته به دنبال کار خودش و ما بی خودی به دنبال او هستیم؟

اگر بپرسید چه پدیده ای نقش زیادی در تصورات بشر در باور به زندگی پس از مرگ بازی کرده است. خیلی ساده باید گفت از نظارت به گره ماه نقشی که ماه در باور به روز رستاخیز بازی کرده است، یکی از موضوعات شگفت انگیز تاریخ مذاهب است.

خورشید همواره یکسان بنظر می رسد. در حالی که ماه متولد می شود، به کمال میرسد، می میرد و دوباره زنده می شود. فاصله زمانی ماه نو، مُردن و دوباره زنده شدنش - یکی از مهم ترین مراسم مذهبی را در پهنای تمدن اولیه بشری بازی کرده است.

تا حدود ۶۰۰ سال پیش از ظهور مسیح، در فرهنگ گهن، کتاب تورات، ماه نو قربانی و هدایای قابل ملاحظه ای را طلب می کرد. عید ثبات کلیمی ها، در اصل جشن ماه نو بود. برداشت این بود همانگونه که ماه در پایان روز سی ام دوباره زنده می شود، مُردگان نیز دوباره به زندگی تازه ای دست می یابند.

حتی پدر مقدس Augustine در قرن چهارم مسیحی گردش و دگرگونی ماه را به عنوان دلیلی برای اینکه روز رستاخیز مُردگان پس از مرگ وجود دارد مثال میزد. پدران مقدس دیگری هم امر تولد و مرگ ماه را به صورت مثال دلیل می آوردند. و نمی توانستند فکر کنند که روزی فرا میرسد که انسان بر روی کره ماه راه خواهد رفت.

عبارت «در روز سوّم او دوباره پس از مرگ زنده می شود» جمله ای که در مناجات های مذهبی قدیمی ها یافت می شود، اشاره ای است بر این که او یعنی ماه پس از سه شب تاریکی دوباره زنده می شود.

همانطوری که ماه می میرد و دوباره زنده می شود، ما انسانها هم می میریم و دوباره زنده می شویم» این مناجات را San Juan Capistrano Indian در نیایش خود بکار می گرفتند.

## خجالت دارد!

پزشک متخصص قلب در لس آنجلس برای درمان سکتة مغزی همسرش در خانه سفره «حضرت عباس» می اندازد و از بانوان می خواهد با چادر نماز وارد مجلس شوند!

آقای اصفهانی هم جسد پدرش را در چمدان گذارده که به کربلا ببرد تا در کنار «امام حسین مظلوم» خاک کند و خاطرش جمع شود که یکسره او را به بهشت خیالی اش می برند! حیف از آن هزینه ای که این آقایان هدر دادند و متخصص شدند و یا حیف از آن ثروتی که آن دیگری بهم زده است تا جسد پدر ظالم را پهلوی حسین مظلوم به کربلا ببرد این دو از جنس همان خانم دکتری هستند که به دنبال هویت اسلامی آبروی خودش را بُرد.

طبق نظریه ی یک پزشک، سر انسانهایی که زیر سرپوشهایی مانند روسری (لچک) و عمامه نگهداشته می شود به پوکی مغز و بیشتر به کپک تارهای خونی دچار می شوند و اگر کسی بیش از ده سال از آنها استفاده کند مغزش رو به گندیدگی و فاسد شدن می گذارد



## همانطور که اسلام را شناختیم، بهائیت را هم بشناسیم

### گفتگو با هم میهن بهایی - آقای حسن فیروزی

- آقای فیروزی، نظر بهاء‌اله در مورد خدا چه بود؟
- ایشان اعتقاد داشتند، خدا عشق است بدون اینکه بتوانیم به ذات او پی ببریم، رو راست به شما بگویم، خود من پیرو مکتب حافظ هستم. حافظ در چهار دوره زندگی اش اول حافظ قرآن می‌شود، سپس دچار تردید و شک می‌گردد، بعداً از دین بیرون می‌رود، سپس ترهم فکر کرد و فهمید که مشکل در خلقت است!
- آقای فیروزی آیا بهایی‌ها تا امام یازدهم شیعیان را قبول دارند.
- به این پرسش پاسخی ندادند و مکث کردند.
- آقای فیروزی در دین بهایی موضوع اعدام چگونه توجیه می‌شود.
- در دین بهایی و در کتاب اقدس، حضرت بهاء‌اله با اعدام مخالفتی ندارد ولی بلافاصله می‌گوید اگر حبس هم بکنید بهتر است.
- آقای فیروزی، چرا بهایی‌ها کتاب بیان و ایقان و اقدس را به غیر از بهایی‌ها حتی به صورت موقت هم نمی‌دهند.
- من این گفته را تأیید نمی‌کنم، اما اگر آلان شما از من هم کتاب فارسی را بخواهید ندارم، واقعیتش این است که در کتاب بیان دستوراتی داده شده که بهاء‌اله با آنها موافقتی نداشت و پس از آن دیگر نه تنها آن را تکثیر نکردند، سعی کردند در دسترس مردم هم قرار نگیرد.
- شما به‌اتکاء گفته‌های بهاء‌اله سخن از وحدت عالم انسانی می‌زنید، چگونه است، خود حضرت، یک وحدت عالم انسانی پذیرفته شده در سراسر جهان را که سال را ۱۲ ماه می‌داند و ماه را سی روز، بهم می‌ریزد و آن را به ۱۹ ماه و ۱۹ روز تبدیل می‌کند؟
- من بین وحدت عالم انسانی و نوع تقویم بندی هیچ رابطه‌ای نمی‌بینم، وحدت عالم انسانی حفظ منافع کلیه انسانها تحت لوای قانون است با اجرای یک حکومت جهانی، تقویم یک چیز قراردادی است، این تغییر راهم نخست سید باب انجام داد، چونکه عاشق ایران بود و می‌خواست تاریخ راهم ایرانی کند.
- آیا فکر نمی‌کنید، سیدباب و بهاء‌اله دو ایرانی بودند که برای نجات مردم ایران از دست ستم اسلام پیا خواستند و منظورشان آوردن دین جدید نبود؟
- من در آن هنگام نبودم که دقیقاً انگیزه سیدباب را بدانم ولی ایشان را می‌شود فهمید که از ستم آخوندها به‌تنگ آمده بود، از ستم مالکین به‌تنگ آمده بود و با شمشیر هم جلوی آنها ایستاد. اما بهاء‌اله که امیدوارم مستند باشد می‌گوید «اگر گذشته شوید بهتر از آن است که بکشید»
- آقای فیروزی، تاکنون شما چند نفر را بهایی کرده‌اید؟
- من هیچ کس را بهایی نکرده‌ام، من سخنانم را همه جا می‌گویم، ما

- مأمور به ابلاغ هستیم! نه مأمور به بهایی کردن کسی.
- مشهور است دین بهایی آخوند و مبلغ دینی ندارد، پس چگونه این دین با این سرعت گسترش پیدا کرده است.
- امروز، نیازهای جامعه بشری ایجاب می‌کند که یک زبان مشترک داشته باشیم!
- بهر حال سخنان و دیدگاههای این دین را باید کسی به مردم ارائه بدهد، آن فرد کیست؟
- کتابها نوشته می‌شود و بروشورها پخش می‌گردد.
- مردم آفریقا که با کتابهای شما آشنایی ندارند چگونه بهایی می‌شوند؟
- بهایی‌ها در سراسر دنیا پراکنده‌اند!
- پس هر بهایی مبلغ دین بهایی است؟
- بعله اولین پراکندگی در جهان متعلق به مسیحی‌هاست و دومین هم از نظر مکانها به بهایی‌ها تعلق دارد.
- آقای فیروزی، آیا برآستی، بهایی‌ها همه کشورهای جهان را به یک اندازه دوست دارند؟
- نه، ایران را بیشتر از سایر کشورها دوست دارند.
- گفته شما که بهایی‌ها ایران را بیشتر از سایر کشورها دوست دارند، با گفته‌ها و هدف‌های بهاء‌اله مغایرت دارد.
- نه ندارد، من تمام زن‌های دنیا را دوست دارم، ولی مادرم را بیشتر از همه دوست دارم، کعبه و مکه بهایی‌ها ایران است.
- اسرائیل در این معادله کجا قرار می‌گیرد؟
- دولت اسرائیل امسال شصتمین سال تولدش را جشن گرفت، بابی‌ات ۱۶۰ سال پیش پیدا شد، ارتباط بهایی‌ها با اسرائیل فقط بخاطر قرار داشتن آرامگاههای سیدباب و بهاء‌اله در شهر حیفا و عکا مربوط می‌شود که دولت‌های زمان ناصرالدین شاه آنها را به تبعید فرستاده است.
- بنظر شما، خون‌هایی را که پیامبران با دستوره‌های غلط و درست خود به زمین ریخته‌اند مسئولش کیست، به گردن چه کسی باید گذاشت؟ پاسخ در شماره بعد

## عمل زشت امام رضا در مشهد!

- به‌دستور نوکران دست به سینه امام رضا که حتماً پنهانی با آقایان در تماس هستند و به‌اجرای امر به معروف و نهی از منکرهای او می‌پردازند، نقاشی‌های گرانقدر شاهنامه را از دیوارهای شهر مشهد، شبانه از میان بردند و پاک کردند.
- ترس و دشمنی عرب زاده‌ها از فردوسی هر روز بیشتر از پیش می‌شود، آنها حتا تحمل چند عکس فرضی و نمایشی را ندارند چه برسد به اندیشه‌های فردوسی که نامش تا جهان باقی است جاودان خواهد ماند.



## نوشته‌ای از نشریه سپاه پاسداران به نام صبح صادق

## امام زمان معتاد

نشریه صبح صادق نشریه داخلی سپاه پاسداران در سرمقاله آخرین شماره خود (خرداد ۹۰) هشدار داده است که احتمال دارد امام زمان در وقت ظهور معتاد باشد و به سبب اعتیادش نتواند رسالتی را که خداوند بر عهده‌ی او گذاشته است انجام دهد.

نویسنده این مقاله ادعا کرده است، بسیاری از زائران چاه جمکران از طبقه‌ی بی‌سواد جامعه هستند و تعداد زیادی از آنان نیز به انواع مواد مخدر معتاد هستند. آنها وقتی برای گرفتن حاجت به چاه جمکران می‌روند چون استطاعت مالی ندارند، عوض انداختن پول در چاه انواع مواد مخدر خود را به درون چاه می‌ریزند که همین موضوع سبب نگرانی شدید علما شده و آنان بیم دارند که امام زمان با مصرف این مواد افیونی معتاد شده باشند و چه بسا تأخیر ظهور ایشان تاکنون نیز به دلیل همین وابستگی‌شان به مواد مخدر باشد.

این نشریه در پایان می‌نویسد، جا دارد مسئولین امر نظارت و کنترل بیشتری بر روی زائرین داشته باشند تا هیچ گونه موادی به درون چاه انداخته نشود. منظورشان از هیچ‌گونه موادی آن است که شنیده شده مردم زیادی مدفوع خود یا حیوانات را درون دستمالی پیچیده به سر امام زمان ته چاه می‌ریزند.

## امام دوازدهم با گوشت شتر مسموم شده است

شیخ عبدالعزیز آل‌الشیخ امام جمعه مسجدالحرام عربستان در خطبه نماز خود هفته گذشته (اول ماه می ۲۰۱۱) در برابر سدها هزار مسلمان ادعا کرد امام دهم شیعیان شرعاً نسبتی با امام نهم آنها ندارد. شیخ بزرگ عربستان ادعا کرد (سخنرانی او در روزنامه عکاظ چاپ ریاض هم درج گردیده است) زمان تولد امام تقی ذیحجه ۲۱۲ هجری قمری بوده است در حالی که پدرش امام تقی را از ربیع‌الاول سال ۲۱۱ معتصم خلیفه عباسی زندانی داشته و در آن مدت هیچ ارتباطی امام تقی با زنش نداشته که امام تقی پسر او باشد. پدر تقی شخصی به نام خالد ابن مروه می‌باشد که در زمان زندانی بودن امام تقی، به بهانه سرکشی اهل بیت به منزل او رفت و آمد داشته است (با مادر تقی ارتباط جنسی ناجور داشته).

امام جمعه عربستان گفت به استناد این واقعیت نسل امامان شیعه پس از امام تقی به پایان رسیده است و کسی که به نام امام دوازدهم معرفی شده نوه بزرگ خالد ابن مروه است که در سال ۲۹۵ قمری از گوشت شتر مسموم و گشته شده است. بنا به گفته این امام جمعه امام زمانی در کار نبوده و داستان هم‌اکنون ساختگی و فریبکاری است.

## عوض کردن دین برای ۲ ریال

شاه عباس جمع زیادی از زرتشتیان را از سراسر ایران به قریه تازه سازی که نامش را «گبرآباد» یا «گبرستان» می‌گذارد نزدیک جلفای اصفهان منزل می‌دهد.

سیاح رومی به نام «پتردیلاوال» پس از بازدید این قریه، می‌نویسد، «خانه‌های گبران پست و حقیر است، همه بینوا و عاری از زر و زینت می‌باشند، بینوایان مسلمان، نسبت به آنها توانگر محسوب می‌شوند، گبرها شغل و کسبی ندارند، با مشقت و سختی بسیار امرار معاش می‌کنند»

مورخ کتاب تاریخ کرمان می‌نویسد، زرتشتیان مورد حمله و فشار الواط (مسلمان) و اشرار واقع و هر روز بلکه هر ساعت انواع آزار و ستم می‌کشیدند، این بندگان خدا مالک مال و عیال خود نبودند.

در روزگار صفویان، محمدتقی خان بافقی فرماندار یزد باغ دولت آباد را با خون و عرق و زحمت رایگان زرتشتیان ساخت، بدون دادن یک شاهی اجرت از آنها کار مفت می‌کشید، بیشتر خشت‌هایی که برپام‌ها رفته است بر پشت زنان حامله زرتشتی به بالا حمل می‌گردید.

در سال ۱۱۴۲ هجری قمری برابر با ۱۷۲۹ میلادی فشار مسلمانان بر زرتشتیان از حد گذشت و آنان را یارای استقامت نماند، فامیل فامیل برای نجات خویش اسلام می‌آوردند.

اوضاع زرتشتیان پس از خاتمه سلسله زندیه از بد بدتر گشت و به جز انگشت شماری، با سواد در بین آنها پیدا نمی‌شد، مالیات جزیه عموم را مستاصل و پریشان کرده بود، چنانکه در سال ۱۲۶۵ هجری قمری شصت نفر از زرتشتیان، چون از پرداختن دو ریال پول جزیه عاجز بودند و مأمورین نیز با ضرب چوب و چماق و لعن مطالبه می‌نمودند طاقت نیآورده با خانواده خویش اسلام آوردند.

## ذبح اسلامی (حلال) و ذبح یهودی (کاشر) در هلند

## غیرقانونی شد

پارلمان هلند، لایحه مهمی را به تصویب رساند که براساس آن ذبح حیوان‌ها با روش‌های اسلامی و یهودی غیرقانونی خواهد بود. در این قانون گفته شده که برای کاهش درد و رنج حیوانات در زمان کشتن آنها، باید ابتدا آنها را بیهوش کرد. در ذبح اسلامی و ذبح یهودی هنگام کشتن حیوانات آنها باید زنده باشند (که مانند انسان‌ها از دستشان زجر بکشند!) یهودیان و مسلمانان هلند به این قانون اعتراض کرده‌اند.



## همه چیز برای ورود آقا آماده است!

اسفندیار رحیم مشایی، رئیس دفتر احمدی نژاد، مدیریت ظهور «امام زمان» را وظیفه دولت دانسته است! برخی از مسئولان دولتی اعلام کرده بودند که مشایی هنگام نماز خواندن در ساختمان ریاست جمهوری، جانمازی برای امام زمان پهن می‌کند و پشت آن نماز می‌خواند. برخی دیگر از نزدیکان او گفته بودند که او هنگام صرف غذا بشقابی پُر از غذا برای امام زمان روی میز می‌گذارد.

تلاش‌ها (بخوانید تقلب‌ها) برای جا انداختن این ادعا که ظهور امام زمان نزدیک است تا آن‌جا پیش‌رفته که حتی امام جماعت اهل تسنن زاهدان نیز در سخنانی غیرمنتظره (بیچاره را مجبور کرده‌اند) گفت حتی اهل سنت هم به امام زمان اعتقاد دارند! در حالیکه اهل سنت به امامت اصلاً اعتقاد ندارند.

سایت‌های مربوط به «مهدویت» و «موعودگرایی» در کشور به‌بیش از یکصد سایت و ویلاگ رسیده است، ۳۰۰۰ جلد کتاب در باره مهدی از این و آن نوشته و منتشر شده است. فیلمی را هم که جنجال فراوانی به پا کرد به نام «ظهور نزدیک است» با همین هدف ساخته و پخش کرده‌اند. ملا باقر مجلسی، در بحارالانوار جلد سیزدهم در برگه‌های ۱۰۱۷ تا ۱۱۵۸ در توصیف امام زمان چنین نوشته است «مهدی تا آن اندازه خون خواهد ریخت تا خدا راضی شود» - مهدی چیزی جز شمشیر به مردم نمی‌دهد - مهدی بر جن و انس غلبه می‌کند و یک نفر از افراد فرومایه را در روی زمین باقی نمی‌گذارد - لشکریان امام قصد هر شهری را می‌کنند، آن‌جا را خراب و ویران می‌نمایند. پایان به قول دوستی، باباجان سد رحمت به خمینی لعنت‌الله و علیه که همه مردم ایران را نکشت و یا وقت نکرد بکشد، این امام دیگه چه جونوریه!

## دین شما و دین من

شما دینی دارید که دشمن من بی‌دین است. اما دین من هیچ دشمنی با شما ندارد، شما معترضین اندیشه من هستید، من، تنها گله دارم و انتقاد می‌کنم، انتقاد نهایت کاری است که من بر ضد شما انجام می‌دهم. شما به همراه دینتان مرا کافر و مرتد می‌نامید. من هیچ‌گاه شما را کافر و مرتد نمی‌خوانم، حتی اگر خود را از اندیشه‌های انسانی دور کرده و با من سر جنگ داشته باشید. دین شما با یک فرمان و یا با تصمیم یک متعصب می‌تواند مرا بکشد و از روی زمین بردارد، من غلط می‌کنم که حتی به اندیشه گشتن شما باشم، شما می‌دانید که فقط هم‌اندیش من نیستید. دین شما مرا نجس می‌داند، از من نفرت دارد، من اصلاً شما را نجس نمی‌دانم و هیچ نفرتی هم از شما ندارم دین شما یهودیت است، مسیحیت است، اسلام است، بهائیت است، مورمون است.... دین من هیچ نام و رنگ و تعصب و فرمانی ندارد، دین من انسانیت و

بس.

من به‌خوبی میدانم چون شما در دامن یک مادر و پدر دیندار بزرگ شده‌اید، پدر و مادر دیندار شما مانند غذایی که به شکم شما ریخته‌اند دین خودشان را هم به‌درون مغز شما فرو کرده‌اند و شما بدون داشتن هیچ‌گونه فرصتی و بدون هیچ اندیشه‌ای آن را گرفته و پذیرفته‌اید، درست مانند نام فامیلی که از پدر گرفته‌اید.

من شما را خوب می‌فهمم، امیدوارم، برسد آن روزی که شما هم مرا بفهمید، و از انتقاد و روشنگری من نسبت به دین تان عصبانی نشوید، به دلایل و سخنان من توجه کنید، آن‌گونه که من چند هزار سال است به شما گوش می‌دهم.

## دشمنی بی دلیل

در یک سایت اینترنتی آمده بود که یکی از بستگان درجه اول رهبر جمهوری اسلامی را برای عمل سخت مغز استخوان محرمانه به اسرائیل برده‌اند.

سدها میلیون مسلمان با آن همه چاه‌های نفت یک بیمارستان درست و حسابی در کشورهایشان ندارند، اما چهارده میلیون کلیمی با چاه‌های نفتی که در مغزهایشان فوران می‌کند اقتصاد و تکنولوژی و دنیایی پزشکی و حتا سیاست جهان را به‌دست دارند. مسیحی‌ها خود ریزه خوار خوان همان چهارده میلیون کلیمی هستند، کشور اسرائیل که فقط ۷ میلیون جمعیت دارد (به‌اندازه جمعیت نازی آباد و جوادیه و راه آهن تهران) دارای مجهزترین بیمارستانها و مجرب‌ترین پزشکان جهان است. آنها نه قوم برتر هستند، نه باهوش‌تر از مردم سایر ملل. تنها سرمایه اصلی آنها نیروی کوشش و تلاش خستگی ناپذیر آنان در به‌دست آوردن خواسته‌های خویش است. بجای دشمنی و حسادت با این قوم سخت‌کوش از آنها بیاموزیم که چگونه به این دانایی و دانش و پختگی رسیده‌اند. شرم اعتراف به این راستی‌ها خیلی کمتر و آسانتر است از ننگ این عقب ماندگی.

ایرانی‌ها در کنار دوستی با عرب‌ها دوستی با اسرائیلی‌ها را هم باید مغتنم بدانند و برای زندگی بهتر خود بهره بگیرند. ایرانی‌ها هیچ بهانه و دلیل تاریخی و غیر تاریخی برای دشمنی با اسرائیلی‌ها ندارند. دوستی بین ایرانی‌ها با اسرائیلی‌ها، جهان بهتری را برای فرزندانمان به‌ارمغان خواهد داشت. دوستی بین تمام مردم جهان یک اندیشه والای انسانی و دشمنی بین اقوام گوناگون یک باور شرم‌آور مذهبی است.

تلفن‌های زیادی شد که، واکنش خانم عسل پهلوان به نامه‌ای که در شماره پیشین بیداری نوشتید چه بود؟ - پاسخ دادیم هیچ، و چند نفری هم گفتند خود خانم عسل پهلوان و مادر گرامی‌اش خیلی بیشتر از خود آقای پهلوان اسلامی و اسلام‌زده هستند، پدر تقصیر زیادی ندارد.



## Thinking points for Iranian youth

The last three decades that Islamic regime has taken over and replaced the western legal codes with the Islamic "Shariat", the Iranian people have seen the real Islam first hand and in practice. They should no longer be fooled by propagandas, nor should they follow their parent's footsteps that all Iranians are thought to do. One Generation must do the of properres and break the link of slavery

Maziar Aptin

در مسجد ۶۷۰ ای-ام لس آنجلس (رادیو ظاهراً ایرانی) حدود ده نفر روضه خوان پُر سابقه اسلامی صبح تا شام در حفظ بیضه اسلام برنامه اجرا می کنند. امسال هم مانند سالهای گذشته با مجاهدت جانانه اسیران بلا، آقایان حقیقی، ناظریان، کمالی، ثابت ایمانی، فیروزکار، کلهر، سینا بیات... و خانمهای خوش خدمت اردلان و فتحی و جوادی، صدای ضد ایرانی اذان افطار از منار این رادیو فضای آلوده لس آنجلس را آلوده تر کرد و عوامل جمهوری اسلامی را شادمان نمود. این صدا برای مسلمان زاده ها - مسیحی ها - کلیمی ها - بیدین ها و حتی بهالی ها هم گوشخراش و چندش آور شده است و این چند آقا و خانم این را متأسفانه نمی فهمند و گرنه صاحب آمریکایی آن که مسئول نیست. هر کدام از نامبردگان بالا اعتراضی به این نوشته دارند با کمال میل نظرشان را چاپ خواهیم کرد.

تلفن و فکس بیداری (858) 320-0013  
[bidari2@Hotmail.com](mailto:bidari2@Hotmail.com) [www.bidari.org](http://www.bidari.org)

## بیداری

### نشریه کانون فرهنگی خرافه زدایی

صادق زیبا کلام یکی از نوکران آخوندها گفته است: یک موی محمدابن عبدالله را به سدا کورش و داریوش و گذشته ایران نمی دهم! به یاره های این نامرد، دکتر ناصر انقطاع چنین پاسخ داده است: «مردکا چه کسی از تو موی محمد را خواست، آن موی ارزانی تو باد - چنین فردی که نوروز را قبول ندارد، باید در روزهای نوروز پالان بر دوشش گذاشت و او را در خیابانها به نمایش گذاشت، اگر من به جای دانشجویان او بودم به چهره اش تف می انداختم، این مردک دهان دریده و بی شرم در دانشگاه تهران چه می کند. دم اسب مجسمه آریو برزن به تمام امامزاده های شما (مسلمانان) شرف دارد.»

۴۰ شماره از بیداری ها را دو جلد کتاب کرده ایم تا با فروش آنها بیداری را منتشر کنیم. لطفاً سفارش دهید.

(858) 320 - 0013

از اکنون برنامه ریزی کنید، برای نوروز دو جلد خردنامه های بیداری را به دوستان و بستگان خود عیدی بدهید.

Post Std  
 U.S. Postage  
 Paid  
 San Diego, CA  
 Permit No. 2129

BIDARI  
 P.O. BOX 22777  
 San Diego CA 92192  
 U.S.A  
 بیداری